



An Analysis of the Civilizational and Transgenerational Approach to Mahdism and Waiting

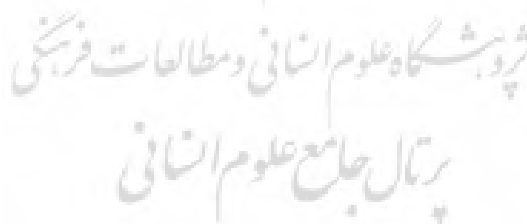
Seyyed Reza Tabatabainia ¹

Dr. Saeed Bakhshi ²

Abstract

This research aims to examine the civilizational perspective on Mahdism and expectation. This research stems from the fact that limiting expectation to the individual and belief dimension does not provide the necessary capability for social and civilizational transformations. The research method is descriptive-analytical and based on religious sources, works of Islamic scholars, and a natural analysis of the views of experts. The results show that a civilizational and transgenerational approach to waiting draws a broad and strategic vision for Islamic societies that can chart long-term horizons of growth and progress for society. Adopting this approach can increase the capacity to create cohesion and convergence among different generations and, while strengthening the cohesion of generations, create a platform for responsibility, consensus, and convergence on the path to realizing the socio-civilizational and justice-oriented goals of Islam.

Keywords: Mahdism, expectation, civilizational perspective, transgenerational approach, Islamic civilization



1. Lecturer in the Department of Islamic Studies, Imam Hussein University, Tehran, Iran (Corresponding Author) (srtabatabainia@gmail.com)

2. Assistant Professor, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (saeid1389ba@gmail.com)

واکاوی رویکرد تمدنی و فرانسلی به مهدویت و انتظار*

سیدرضا طباطبائی نیا^۱

سعید بخشی^۲

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی نگاه تمدنی به مهدویت و انتظار انجام شده است. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که محدودسازی انتظار به بعد فردی و اعتقادی، ظرفیت لازم برای تحولات اجتماعی و تمدنی را فراهم نمی‌کند. روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع دینی، آثار اندیشمندان اسلامی و تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های صاحب نظران انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که نگرش تمدنی و فرانسلی به انتظار، چشم انداز کلان و راهبردی را برای جوامع اسلامی ترسیم می‌کند که می‌تواند افق‌های بلندمدت رشد و پیشرفت را برای جامعه ترسیم نماید. پذیرش این رویکرد می‌تواند، ظرفیت ایجاد انسجام و همگرایی در میان نسل‌های گوناگون را افزایش داده و ضمن تقویت انسجام نسل‌ها، بسترساز مسئولیت‌پذیری و همفکری و همگرایی در مسیر تحقق اهداف اجتماعی - تمدنی و عدالت محور اسلام گردد.

واژگان کلیدی

مهدویت، انتظار، نگاه تمدنی، رویکرد فرانسلی، تمدن اسلامی.

مقدمه

اندیشه مهدویت و انتظار ظهور حجت الهی، از مفاهیم بنیادی تعلیم اسلامی است که از دیرباز جایگاهی کلیدی در اندیشه دینی داشته است. انتظار در سطح اجتماعی می‌تواند به منزله محرکی پویا برای حرکت‌های تمدنی، تحول فرهنگی و ترویج ارزش‌های اسلامی عمل کند. با این حال، در موارد متعددی دیده می‌شود که تفسیر آن به بُعدی فردی و انفعالی تقلیل یافته و یا به شکلی محدود و سطحی مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین رویکردی ممکن است پتانسیل‌های فراگیر و راهبردی انتظار را در ایجاد انسجام میان نسل‌ها، احیای تمدن

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹

۱. مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران، ایران (نویسنده مسئول) (srtatabainia@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران (saeid1389ba@gmail.com).

اسلامی و تأمین حرکت‌های آینده‌نگر تضعیف نماید.

رویکرد تمدنی و فرانسلی نسبت به انتظار، زمینه‌ساز ایجاد طلیعه‌ای نوین در حیات اجتماعی مسلمانان است. در رویکرد تمدنی، انتظار به‌عنوان زیرساختی برای شکل‌گیری و تقویت ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. همچنین در نگرش فرانسلی (بین‌نسلی)، بعد زمان به‌صورت گسترده‌تری لحاظ شده و بار امانت نسل‌های آینده و مسئولیت کنونی در برابر آنها مورد توجه است.

مقاله حاضر در پی آن است که با تکیه بر منابع و مستندات دینی و همچنین دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان، ضرورت نگرش تمدنی و فرانسلی به انتظار را تبیین کند. همچنین تلاش می‌شود آثار و پیامدهای گزینش یا غفلت از این رویکرد بر فضای عمومی جامعه اسلامی و آینده آن مورد بررسی قرار گیرد. این نوشتار بر آن است تا نشان دهد که «انتظار» در اندیشه شیعی، تنها یک مفهوم فردی و اخلاقی نیست، بلکه به‌منزله راهبردی بلندمدت می‌تواند موتور محرک تمدن‌سازی اسلامی باشد.

بررسی نگاه تمدنی و فرانسلی از دو جهت واجد اهمیت است و ضروری است که به آن پرداخته شود.

۱. **تبیین جایگاه واقعی انتظار:** بسیاری از معارف دینی به‌طور ضمنی به ظرفیت‌های فراگیر انتظار برای تحولات کلان اجتماعی اشاره کرده‌اند. واکاوی این ریشه‌ها در منابع دینی و آثار اندیشمندان، به درک عمیق‌تر از جایگاه واقعی انتظار در منظومه معارف اسلامی کمک می‌کند.

۲. **زمینه‌سازی برای تمدن‌سازی:** پرداختن به انتظار در سطوح تمدنی و فرانسلی، جامعه را از بحران معنا و هویت دور ساخته و فرایند آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی درازمدت را تسهیل می‌کند. در جهانی که تحولات شتابان دارد، نگرش تمدنی به انتظار می‌تواند ابزار مهمی برای بقای هویت دینی و فرهنگی باشد.

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. چگونه نگرش تمدنی و بین‌نسلی به انتظار می‌تواند به تحقق اهداف اجتماعی و تمدنی کمک کند؟

۲. چه راهکارهایی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمدنی انتظار در جامعه اسلامی وجود دارد؟

مفهوم‌شناسی

انتظار: انتظار در معنای اصطلاحی، حالتی نفسانی و صفتی قلبی است که از توجه و علاقه به تحقق امری خوب یا بد حکایت دارد. مطابق مستندات دینی، منظور از آن، انتظار فرج است. یعنی انتظاری که همراه با آگاهی، بصیرت و معنویت و در واقع نوعی تدارک و تمهید برای تزکیه نفس و حیات طیبه و آگاهانه و هدفمند و زمینه‌سازی برای ایجاد دگرگونی مثبت و گسترده با حضور در نهضت عظیم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که آغاز آن ظهور نور و پایش شکست تاریکی و نتیجه‌اش برپایی حکومت عدل الهی است (مسائلی، فرقانی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۵-۲۶).
فرانسلی: یعنی اختصاص به نسل خاصی ندارد و مربوط به نسل‌های مختلف است.

رویکرد تمدنی: مطالعات با رویکرد تمدنی به دلیل شاخص‌هایی همچون مطالعه تاریخی، وابستگی به مسیر و توجه به زمان و مکان (گذشته)، تبیین وضعیت مطلوب (آینده)، مطالعه عمیق ارزش‌ها (معیار سنجش)، فهمی شمول‌گرا (نگاه جامع)، توجه به کارگزار و ساختار هم‌زمان و مطالعه مقایسه‌ای می‌تواند هدف عمق‌بخشی به آگاهی اجتماعی را حاصل کند. در این سپهر، سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در کنار کنشگران جامعه می‌توانند آگاهی ژرف‌تر و گسترده‌تری به پدیده‌های اجتماعی داشته باشند و با سیاست‌گذاری کنش‌های سازنده‌ای را موجب خواهند شد (بهمنی خدنگ؛ مولائی آرانی، ۱۴۰۲: ۱۹).

رویکرد تمدنی - فرانسلی: در این نگاه، انتظار نیرویی راهبردی برای ساختن جامعه‌ای آرمانی است که در آینده، متصل به حکومت عدل و ظهور کامل ارزش‌های دینی خواهد شد. پذیرش این قرائت، نه تنها مسئولیت فردی را افزایش می‌دهد، بلکه نقشی مهم در ایجاد تحول اجتماعی، برنامه‌ریزی برای پیشرفت و توجه به آینده‌ای فراتر از نسل حاضر ایفا می‌کند. در برابر آن قرائت از انتظار، قرائت محدود و سطحی وجود دارد. در این قرائت، انتظار صرفاً در انجام اعمال فردی، خواندن دعا برای ظهور و داشتن امید به آینده خلاصه می‌شود. در این نگاه، انتظار امری منفعلانه و ناظر به تحولی بیرونی است که کمترین ارتباط را با وظایف اجتماعی و تمدنی مؤمنان دارد.

توجه عمیق و بینش تمدنی - فرانسلی به انتظار می‌تواند به جامعه اسلامی کمک کند که زمینه‌ساز تشکیل یک تمدن نوین مبتنی بر ارزش‌های توحیدی و عدالت‌محور باشد. چنین جامعه‌ای، با تکیه بر زیرساخت‌های فرهنگی، معرفتی و اخلاقی، برای نسل‌های آینده طرحی نو دراندازد و خود را برای نیل به ظهور منجی و برپایی حکومت عدل الهی مهیا سازد.

رویکردهای نظری در باب انتظار

رویکردهای نظری در باب اندیشه انتظار، مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، چارچوب‌های فکری، و نظریه‌پردازی‌هایی است که به بررسی، تبیین، و تحلیل ابعاد مختلف مفهوم انتظار در حوزه‌های گوناگون می‌پردازند. این رویکردها تلاش می‌کنند تا انتظار را به عنوان یک مفهوم دینی و اجتماعی، از زوایای فلسفی، الهیاتی، جامعه‌شناختی، و تمدنی بررسی کنند. هر یک از این رویکردها با تمرکز بر جنبه‌ای خاص، ابعاد تازه‌ای از انتظار را آشکار می‌کنند و آن را از یک باور صرفاً فردی به یک چارچوب فکری و عملی برای تحول جامعه ارتقا می‌دهند؛ بنابراین، رویکردهای نظری به انتظار تلاش می‌کنند تا این مفهوم را به صورت جامع و از زوایای مختلف مورد تحلیل قرار دهند و آن را به عنوان یک ایدئولوژی مؤثر در هدایت جامعه به سوی آرمان‌های متعالی معرفی کنند. در مجموع به چند رویکرد اساسی در مورد انتظار می‌توان اشاره کرد:

۱. رویکرد فلسفی و الهیاتی

در این دیدگاه، انتظار به عنوان بخشی از نظام هستی‌شناختی و غایت‌شناختی جهان مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین مباحثی مانند ضرورت وجود منجی در نظام آفرینش، رابطه انتظار با عدالت الهی، مفهوم تحقق وعده الهی در ظهور مورد بحث قرار می‌گیرد. در این رویکرد، هم مسئله خلافت الهی انسان کامل مطرح است، هم به جایگاه و نقش مردم در قبال آن حضرت توجه شده است و هم وظیفه‌ای که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدس و تعجیل در ظهورش دارند از نظر دور نشده است (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰: ۹۲). در بسیاری از روایات به ضرورت و اهمیت مبحث انتظار موعود تصریح شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بهترین اعمال بندگان را انتظار فرج معرفی کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق: ۴۹۹). امام صادق علیه السلام ضمن تبیین ضرورت انتظار حضرت مهدی عج، یکی از ملاک‌های اصلی قبولی اعمال بندگان را انتظار فرج معرفی کرده و می‌فرماید:

آیا شما را خبر نکنم از چیزی که خداوند هیچ عملی را از بندگان بدون آن نمی‌پذیرد؟ (ابوبصیر گوید) عرضه داشتم: چرا بفرمائید، پس امام فرمود: گواهی دادن بر این که معبودی غیر از خداوند نمی‌باشد و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده او و فرستاده اوست و اقرار نمودن به آنچه که خداوند به آن امر فرموده است و دوستی برای ما و بی‌زاری از دشمنان ما، یعنی امامان به خصوص، و تسلیم شدن به آنان و پرهیز و کوشش و تلاش و اطمینان داشتن و در انتظار قائم ما بودن. سپس فرمود: ما را دولتی در پیش است



که هر وقت خدا بخواهد آن را پیش خواهد آورد. آن گاه فرمود: کسی که دوست دارد از اصحاب امام زمان علیه السلام باشد، باید به انتظار باشد و با همین حال انتظار، به پرهیز از گناه بوده و اخلاق نیکو داشته باشد، پس او منتظر است و اگر اجل او برسد و امام قائم پس از مرگ او قیام کند، پاداش او همانند کسی است که امام قائم علیه السلام را درک کند، پس بکوشید و به انتظار باشید، گوارا باد شما را ای گروهی که مشمول رحمت خدا هستید (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰، ح ۱۶).

در مجموع نزدیک به دو هزار روایت از کلام ائمه و اهل بیت علیهم السلام درباره مهدویت، آخرالزمان و مسئله انتظار، در مجموعه‌های حدیثی و روایی؛ نظیر کتب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام در ۵ جلد، با ۱۹۴۱ حدیث و منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، در ۳ مجلد با ۱۲۸۷ حدیث، گردآوری شده است. از بررسی این روایات نتیجه می‌شود که انتظار هیچ‌گاه به معنای فراموش کردن تعهدات اسلامی و به خصوص ترک مسئولیت‌ها نیست، بلکه انتظار به معنا و مفهوم تعهد در قبال برنامه اسلام و آمادگی در جهت دخول در صفوف اصحاب و لشکریان حضرت بوده و جنگ و ستیز با تمام مظاهر شرک و کفر و استکبار است (مردانی، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

به عبارت دیگر انتظار مسئولیت ساز مورد توجه پیشوایان اسلام است نه انتظار مسئولیت سوز. انتظاری که آن همه فضیلت برای آن در احادیث بیان شده هیچ‌گاه به معنای فرار از زیر بار مسئولیت‌های اسلامی نیست؛ بلکه انتظار، تلاشی پیگیر برای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. انسان منتظر همچون کشتی در برخورد با امواج خروشان دریا به پیش می‌تازد، در فساد محیط نه تنها حل نمی‌شود؛ بلکه سعی و توانش در جهت اصلاح محیط است (مردانی، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

تمرکز اصلی در مستندات قرآنی و تاریخی نیز، بر وجوب اعتقاد به ظهور و چشم‌داشتن به وعده الهی و لزوم آمادگی روحی و جسمی خود و جامعه برای فرارسیدن آن است. گرچه این نگاه زیربنای همه تفاسیر از انتظار به شمار می‌آید، اما ممکن است در صورت عدم تبیین ابعاد اجتماعی، منجر به برداشت‌های فردگرایانه و انفعالی شود.

۲. رویکرد جامعه‌شناختی

این رویکرد انتظار را از منظر تأثیر آن بر جامعه بررسی می‌کند. موضوعاتی مانند نقش انتظار در تقویت امید اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری مردم، و تأثیر آن بر حرکت‌های اجتماعی و تمدنی از جمله مسائل مورد توجه در این دیدگاه است.

در این دیدگاه، انتظار به منزله عاملی محرک برای ایجاد تحولات اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود. برخی از متفکران بر این باور بودند که انتظار، اگر درست فهم شود، نه تنها مانع مبارزه و جنبش‌های اجتماعی نیست، بلکه مؤید آنهاست. آنان انتظار را «مذهب اعتراض» می‌نامد و تأکید می‌کند که اندیشه مهدویت باید محرک حرکت سیاسی و اجتماعی باشد تا پیش‌زمینه ظهور حق‌طلبی در جامعه اسلامی فراهم شود (شریعتی، ۱۳۸۷: ۳۰۴-۲۵۳).

منتظران راستین ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خصوصاً علمای دینی همچون شیخ طوسی، علامه حلی، شهیدین اول و ثانی، میرزای شیرازی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مدرس، امام خمینی رحمته الله علیه و صدها نمونه دیگر از این علما و مجاهدین، متناسب با شرایط و مقتضیات زمان، با حرکت‌های روشنگرانه و خیزش‌های سیاسی و اجتماعی، به مبارزه علنی یا آشکار با معاندین راه حق پرداختند.

آنان با بسیج منتظران موعود، در پی عمل به تکلیف شرعی خود بودند و با ایستادگی و مقاومت در میدان‌های این ابتلائات و امتحانات، کوشیدند. این منتظران موعود، بر اساس تعالیم دینی خود را مأمور به انجام وظیفه می‌پنداشتند نه مأمور به نتیجه؛ لذا چه این حرکت به پیروزی می‌انجامید یا شکست به دنبال داشت، فرقی برایشان نداشت. این پنداره، همواره در طول تاریخ ساری و جاری است، زیرا تکلیف به انتظار فرج مربوط به مؤمنان در همه زمان‌ها، تا تحقق فرج حقیقی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم جریان دارد.

یک نمونه از کارکردهای اجتماعی سیاسی انتظار، در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی، معروف به عصر شکار امتیازات؛ فتوای میرزای شیرازی است. این فتوا مؤید مبارزه و جنبش اجتماعی به نام تحریم توتون و تنباکو بر علیه استعمار انگلیس بود. قراردادی که لرد کرزن به درستی آن را شبیخون بین‌المللی توصیف می‌کند، در ایران آغاز شود و بدین گونه بود که ناصرالدین شاه امتیاز توتون و تنباکو را به ماژور تالبوت انگلیسی داد. استعمارگران با این قرارداد امتیازهای تجاری به دست آوردند که آغازگر نفوذ اقتصادی بیگانگان در ایران بود و با همین هدف نیز بسته شده بود. این امتیاز به تضعیف صنایع سنتی و آشفتگی‌های اجتماعی شدید مردم می‌انجامید. در چنین شرایطی میرزا فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد و نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. الاحقر - محمد حسن الحسینی. روز بعد از انتشار فتوا مسئله همبستگی مردم با رهبری دینی، عینیت یافت. همه خود را به تبعیت از این فتوا ملزم دانستند؛ زیرا مخالفت با حکم مرجع تقلید، مخالفت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب

می‌شد، در حرم سرای شاهی نیز همه قلیان‌ها شکسته شد. به دنبال آن، ناصرالدین شاه فرمان متوقف کردن امتیاز رژی را صادر کرد (احمدی: ۱۳۹۸ ش).

نظر به معارف قرآنی، برپایی عدالت و ایستادگی و مبارزه با ظلم، استبداد، استعمار و زیاده‌خواهی مستکبران، مشروط به کسب قدرت است (حدید: ۲۵). در مکتب تشیع منجی موعود، موجود است و به دلیل عینیت و حضورش، ایمان و اعتقاد به او چنان امیدی در دل منتظرانش ایجاد می‌کند که منجر به تسلیم‌ناپذیری آنان در برابر جائران و حرکت عظیم جامعه بر مدار حق‌خواهی و حق‌طلبی می‌گردد. این انتظار سازنده، باعث ایجاد امید در دل‌های ملل محروم و ستم‌دیده و تشنه‌رهایی از ظلم و ستم می‌شود. این امید به گونه‌ای است که در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد. بنابراین خودِ انتظار، به عنوان محرکی برای ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی سازنده اثربخش و راهگشا است.

هرچند «انتظار فرج» یکی از سازنده‌ترین، محرک‌ترین و پرشورترین وظایف معتقدان و منتظران حضرت مهدی (عج) در عصر غیبت است، متأسفانه آن چنان دست تحریف در مفهوم آن کارگر شد که آن را در محتوا به ضد آن چیزی که در اصل برای آن بود تبدیل کرد و به عاملی بازدارنده و حربه‌ی توجیه‌تنبلان، مغرضان، رفاه‌طلبان و نان به نرخ روز خوران، تغییر صورت داد و در نتیجه بر سر مسلمین آنچه نباید بیاید آمد، و شد آنچه نباید بشود (موسوی کاشمری، ۱۳۷۷: ج ۲، ۴۰۲-۴۰۳).

یکی از تفکرات آسیب‌زا در دوران قبل از ظهور که در تقابل با رویکرد اجتماعی-سیاسی در باب انتظار است، تفکری است که هر حکومتی و قیامی قبل از حکومت مهدی (عج)، را طاغوت برشمرده و منجر به شکست می‌داند. این اندیشه به تلاش نکردن برای برقراری حکومت عادلانه، و یا انفعال سیاسی و تمکین نسبت به حکومت‌های ستم‌پیشه می‌انجامد. آنان قیام‌های قبل از ظهور را محکوم به شکست می‌دانند و صاحبان پرچم‌های قیام قبل از ظهور را گمراه دانسته و تشکیل حکومت و بسط عدل را در جهت انسداد باب مهدویت می‌شمرند (سلیمیان، ۱۳۸۳: ۶۲). این در حالی است که تشکیل حکومت قبل از قیام حضرت مهدی (عج) مانعی ندارد و منع حضرات ائمه اطهار (عج)، جهات دیگری داشته که برخی از آن دلایل در سخنان ایشان ذکر شده است (همان: ۳۰۸-۳۱۲).

با کاوش در این روایات در می‌یابیم، اولاً: قیام‌هایی از نظر معصومین مردود است که هدف سردمداران آن الهی نیست، بلکه هدف رسیدن به قدرت و حکومت و برخورداری از منافع مادی است؛ اما برای فریب افکار عمومی و جلب حمایت آنان از مظاهر و شعارهای دینی

استفاده شده است. اما قیامی که برای حق طلبی و در راه خدا باشد، باطل نیست، بلکه عین حق و حقانیت است (کلینی، ۱۳۹۷: ج ۸، ۲۶۴). ثانیاً: روایات مورد استناد مخالفان قیام (اعم از حق و غیر حق) در عصر غیبت، در تعارض با آیات و روایات باب‌های جهاد، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، خصوصاً قیام علیه ستمگران و سیره معصومین علیهم‌السلام است.

۳. رویکرد تمدنی - فرانسی

در رویکرد تمدنی، انتظار صرفاً موتور جنبش‌های سیاسی یا اصلاحات مقطعی نیست، بلکه زیرساختی برای بنای یک تمدن جدید محسوب می‌شود. در این نگرش، جامعه مؤمنان با نگاه به آینده‌ای گسترده‌تر از یک نسل، تمامی ابعاد نظام اجتماعی اعم از فرهنگ، سیاست، اقتصاد و آموزش را در راستای تحقق ارزش‌های الهی و زمینه‌سازی برای ظهور منجی، اصلاح و تکمیل می‌کند. بدین ترتیب، رویکرد تمدنی - فرانسی، انتظار را به عنوان یک پروژه جاری در نسل‌های مختلف می‌بیند که همواره در حال تکامل و پیشرفت است.

این رویکرد از چنان توان و پتانسیل بالایی برخوردار است که قادر است در عرصه‌های مختلف حکومت اعم از حوزه سیاسی، حوزه فرهنگی، حوزه اقتصادی و عرصه‌های اجتماعی پیش از ظهور، مدل رفتاری، فکری و راهبردی ارائه نماید. همچنین علاوه بر حضور در عرصه‌های یادشده، برای نسل‌های آینده و در اندیشه آنها، حضور چشمگیری داشته باشد. زیرا باور به امام غایب وظیفه منتظران را در ادوار مختلف ترسیم کرده است. انتظار فرج همواره عاملی مؤثر برای تحرک‌آفرینی فرانسوی در جامعه شیعی بوده است؛ تا در برابر مشکلات و موانع، خوف و حزنی به دل راه ندهند و زمینه‌ساز مقدمات نهضت امام قائم عجل‌الله‌فرجه‌الشریف و تشکیل تمدن نوین اسلامی باشد.

در راستای ایجاد تمدن جدید و در مقوله کنشگری به هنگام در ساخت سرنوشت بشر و ملت‌ها، جامعه نیازمند کسب آمادگی برای انتظار فرج است. نمونه‌ای از این آمادگی‌ها و زمینه‌سازی برای ظهور منجی عبارت‌اند از: ۱. آمادگی عقلی و فهم بشر نسبت به معنای عدل (خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۴/۲۹)؛ ۲. آمادگی معنوی، ایمانی و اخلاقی، و پیوند قلبی با امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الشریف که مستلزم اصلاح نفس است؛ ۳. پیوند دینی و عاطفی با مؤمنین؛ ۴. آمادگی برای مبارزه و رویارویی با زورگویان؛ ۵. آمادگی جسمی؛ ۶. تقویت عزم و اراده؛ ۷. تقویت بصیرت؛ ۸. تقویت معرفت عمومی؛ ۹. ایجاد اصلاح عمومی؛ ۱۰. ایجاد رفاه عمومی؛ ۱۱. ایجاد امنیت عمومی و تلاش به قدر توان برای برطرف کردن هر نقص و کمبودی که در جامعه وجود

دارد(خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰؛ ۱۳۷۲/۱۱/۸).

در رویکرد تمدنی و فرانسلی علاوه بر کسب مهارت‌های لازم، می‌توان از جنبه‌های عقلانی و خردورزی و حتی نگاه برون دینی نیز به مسئله انتظار نگریست. علاوه بر آن، باید تلاش کرد با پیروان سایر ادیان و مکاتب به یک فهم و زبان مشترک رسید، چرا که به تعبیر شهید صدر «اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه العزیز تنها نشانه یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست، بلکه افزون بر آن، عنوانی است بر خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها با کیش‌ها و مذاهب گوناگون و نیز بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب، دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف‌نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد» (صدر، ۱۳۷۹: ۷-۸). انتظار فرج هرچند در ظاهر اختصاص به شیعیان دارد، اما در واقع، به همه کسانی تعلق دارد که موضوع انتظار موعود آسمانی را در ذهن و دل خویش می‌پرورانند. انسان‌هایی که فارغ از رنگ و زبان، از نابرابری، تبعیض و زورگوئی و حق‌کشی‌ها به ستوه آمده‌اند و در پی مونس تنهائی و مرهم دردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خویش می‌گردند تا در پرتو حکومت او به آرامش برسند و از طمع شیرین عدالت، اخلاق و انسانیت برخوردار شوند.

امامین انقلاب اسلامی، از درخشان‌ترین چهره‌های معتقد به رویکرد تمدنی - فرانسلی در مقوله انتظار هستند. بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، ضمن نقد و بررسی برداشت‌های مختلف از مسئله انتظار، دیدگاه خاص خود را در این مسئله این‌چنین مطرح می‌نماید:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما، چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلو ظلم را بگیریم، باید بگیریم، تکلیفمان است. قرآن و ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی‌توانیم بکنیم، چون که نمی‌توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند، اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت و... (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲۰، ۱۹۹-۱۹۸).

امام خمینی رحمته الله علیه، به نگرش تمدنی و فرانسلی به مفهوم انتظار فرج معتقدند:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم

تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود (همان: ج ۷، ۲۵۵).

سیر تکامل فرانسلی در حرکت منتهی به ظهور با نگرش تمدنی، یک سیر تدریجی روبه جلو و حلقه‌ای از حلقات ظهور منجی موعود است که؛ در بستر عدالت، به سمت توحیدی شدن و رسیدن به تکامل و اوج اعتلا، بدون توقف، در طول تاریخ استمرار دارد. این حرکت تدریجی با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت عدالت محور او به کمال می‌رسد.

حرکت انسان پیش از ظهور مانند حرکت در پیچ و خم کوه‌ها و لجن‌زارها، و حرکت تکاملی انسان پس از ظهور به حرکت در بزرگراه تشبیه شده است. به عبارتی دیگر حیات اصلی و حقیقی انسانیت در عهد ظهور محقق می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰). البته این تکامل انسان در دوران پس از ظهور، امری دفعی نیست؛ بلکه تدریجی و با سیر مراحل تکامل است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۲۱).

ویژگی‌های رویکرد تمدنی و فرانسلی در انتظار

این اندیشه سترگ به دنبال ایجاد مدینه فاضله‌ای است که چشم‌انداز آن، ظهور و بروز کامل ارزش‌های دینی مبتنی بر توحید در سطح جامعه بشری است. پذیرش این رویکرد علاوه بر ایجاد مسئولیت شخصی، در سطح اجتماعی نیز تحول‌آفرین و کارگشاست. تحقق این رویکرد ضمانت اجرایی برای تحقق آرمان‌های بلندمدت تمدنی تعالیم اسلام است؛ بنابراین برای نیل به این اهداف بزرگ و مدیریت آینده جهان، نیاز به برنامه‌ریزی و تدوین افق چشم‌انداز فراتر از نسل حاضر ضروری است.

تمرکز بر منابع فقهی پویا و تمدن‌ساز اسلامی در کنار توجه به عوامل فرهنگی و مدیریت انگیزه‌های سیاسی در گرایش به قرائت تمدنی و فرانسلی از انتظار تأثیر بالایی دارد. نتیجه این گرایش، جلوگیری از گسست نسل‌ها و شکل‌گیری و ارتقای پیوند میان آنان از حیث جهان‌بینی، نگرش و ارزش‌ها است. علاوه بر آن، از انفعال در برابر تحولات جهانی و دورماندن از آن جلوگیری می‌شود. همچنین به جامعه اسلامی کمک می‌شود تا زمینه‌ساز ایجاد یک تمدن نوین خدامحور و عدالت‌خواه باشد. ویژگی‌های این رویکرد عبارت‌اند از:

۱. آینده‌نگری و برنامه‌ریزی کلان

انتظار در بُعد تمدنی، به معنای برنامه‌ریزی و حرکت مستمر برای ساخت جامعه‌ای است که با شاخص‌های تمدن اسلامی همخوانی داشته باشد. این برنامه‌ریزی، نسل حاضر را مسئول پرورش نسل آینده در فضایی سالم و پویا می‌داند تا آنان بتوانند مسئولیت‌های الهی و انسانی



خود را به درستی ایفا کنند. منتظران حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، با مراجعه به آیات و روایات، ضمن شناسایی شاخصه های حکومت عدالت محور مهدوی؛ به الگوگیری از این شاخصه های اخلاقی، دینی، سیاسی و اقتصادی پرداخته، و از آن برای رفع کاستی های و نابسامانی های اخلاقی و معنوی و پیشرفت جامعه و تربیت افراد استفاده می برد (واسعی، ۱۳۹۳ ش: ۱۲۳). این رویکرد در حقیقت با زایش واقعیت «فردا» از دل تغییرات یا ثبات «امروز»، ضمن تجسم آینده های بالقوه، در زمینه آرمان ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی ها و آرزوها به برنامه ریزی فرانسوی می پردازند.

۲. مشارکت فعال در اصلاح جامعه

ویژگی مهم رویکرد تمدنی در انتظار، تأکید بر «مشارکت اجتماعی» است. این اندیشه، شخص منتظر را یک نیروی فعال در جهت اصلاح وضع موجود، گسترش عدالت و مقابله با فساد تلقی می کند. در واقع، منتظر واقعی در لحظه کنونی و در چارچوب ارزش های اسلامی همواره در اندیشه تغییر مثبت است.

منتظران با امید به آینده روشن به اصلاح اجتماع و جامعه خویش اهتمام می ورزند. این امیدواری ممکن است در بُعد ذهنی یعنی مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه ها، عادات، خوی های مثبت و در بُعد عینی یعنی مجموعه اعمال، رفتارها، کنش ها و واکنش ها باشد. این انگاره به انسان منتظر و خوش بین به آینده انگیزه می دهد تا برای رفع کاستی ها و نقایص موجود در جامعه خویش تلاش نماید.

انتظار مصلح جهانی، آماده باش کامل فکری و روحی و مشارکت فعال مادی و معنوی می طلبد، تا در گستره هستی، نابه سامانی ها پایان پذیرد و ظلم ها برچیده شود. برای انجام این هدف بزرگ، مردانی سستبر و شکست ناپذیر، نیرومند و شجاع، مصمم و بلند همت، دارای بینش و دانش می خواهد. صالحانی که علاوه بر اصلاح خویش، بر اصلاح دیگران نیز بکوشند. مراقب حال خویش و یکدیگر باشند؛ زیرا انتظار حرکتی تمدنی است و باید گروهی و همگانی انجام شود و یک برنامه فردی و شخصی نیست.

۳. ارتقای سرمایه اجتماعی و فرهنگی

زمانی که انتظار صرفاً به دعا و امید فردی ختم نمی شود، شکل تعاملی و جمعی پیدا می کند و منجر به شکل گیری هنجارهای جمعی، اخلاق همکاری و احساس مسئولیت مشترک می گردد. این مهم به تدریج سرمایه اجتماعی جامعه اسلامی را ارتقا می دهد و در نسل های

متمادی منتقل می‌شود.

انتظار سازنده و موعودباوری، فرد و جامعه را به این اعتقاد می‌رساند که به واقعیت‌های موجود اکتفا نکند و به واقعیتی متعالی ایمان داشته باشد و برای رسیدن به این واقعیت متعالی و آینده روشن، در تکاپو باشد و به جستجوی ابزار تحقق این فرجام بپردازد (واسعی، ۱۳۹۳ ش: ۱۲۷). تفکر مهدوی با بشارت پیروزی صالحان و پرهیزکاران در آینده و ظهور امام حاضر، انگیزه درونی مضاعفی برای تلاش و استقامت به انسان می‌بخشد (همان: ۱۳۱). نیروی حاصل از این مسئله، باعث بسیج اراده‌های عمومی و ایجاد نوعی انتظار فعال و پویا می‌شود که به ارتقای سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد.

۴. انسجام بخشی بین نسلی

نگرش فرانسلی به انتظار، ایجاب می‌کند پیوند میان نسل‌های گذشته، حال و آینده حفظ شود. در چنین فضایی، نسل حاضر می‌داند بخشی از یک زنجیره تاریخی - فرهنگی طولانی است و وظیفه دارد ارزش‌ها و دستاوردهای خود را به نسل‌های بعد منتقل کند. این انسجام موجب شکل‌گیری وحدتی پایدار شده و زمینه تمدن‌سازی مستمر را فراهم می‌آورد.

پیامدهای مثبت رویکرد تمدنی و فرانسلی

رویکرد تمدنی فرانسلی به انتظار فرج امام عصر عجل الله تعالی فرجه، نتایج و پیامدهای مثبتی دارد که در این مجال به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

۱. بهبود نظام حکمرانی و مدیریت جامعه

از آن‌جا که اندیشه انتظار فرایندی قانونمند و در چارچوب سنت‌های الهی، مدیریت‌پذیر و مبتنی بر اراده انسانی است. اگر در ابعاد تمدنی مورد توجه قرار گیرد، تصمیم‌گیران و متولیان امور جامعه بر ایجاد و اصلاح ساختارهای مدیریتی، فرهنگی و اقتصادی در راستای عدالت، کرامت انسانی و استقلال جامعه اسلامی متمرکز می‌شوند.

با توجه به این‌که، ظرفیت نظریه مهدویت استقرار جامعه ایده‌آل است؛ می‌توان گفت که از طریق استقرار مؤلفه‌های جامعه مهدوی می‌شود به سوی جامعه آرمانی حرکت نمود. مدینه فاضله مهدوی در حقیقت همان آرمان‌شهر اسلامی است که با مؤلفه‌هایی چون معرفت، عدالت، اصلاحات آراسته شده و آرزوی همه انسان‌ها در تمام دوره‌ها بوده است. شاخص‌های جامعه آرمانی در نهایت، بستر مناسبی برای رسیدن به مدینه فاضله مهدوی در همه عرصه‌های زندگی بشری را فراهم خواهد آورد (موسی‌زاده و علویان، ۱۳۹۶ ش).



نظام حکمرانی در رویکرد تمدنی و فرانسوی انتظار، مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی است که پیشران در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی جامعه بشری است. در این مدل مدیریتی، تلاش می‌شود با الگوی برآمده از مبانی، اهداف و روش حکومت در اسلام، تحت راهبری ولایت فقیه؛ ضمن آموزش افراد آحاد مردم، با تربیت نیروی انسانی متعهد و کادرسازی از بین آنان، به بهبود نظام حکمرانی و مدیریت جامعه کمک شده و به تمدن نوین اسلامی با رویکردی عالمانه، ملی، جهانی، تقریبی، جامع و کارآمد بینجامد.

بهبود نظام حکمرانی و مدیریت جامعه یکی از پیامدهای مثبت و مهم رویکرد تمدنی و فراملی به انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است، زیرا این رویکرد بر مبنای اصولی همچون عدالت، اخلاق، شایسته‌سالاری و مسئولیت‌پذیری شکل می‌گیرد. رویکرد تمدنی به انتظار، مفاهیم مرتبط با حکمرانی و مدیریت را نه صرفاً به عنوان اموری اجرایی، بلکه به عنوان ابزاری برای تحقق ارزش‌های انسانی و الهی در جامعه می‌بیند.

در این رویکرد، نظام حکمرانی با الهام از آموزه‌های اسلامی و مهدوی، به سوی عدالت محوری، پاسخگویی به نیازهای مردم، و ایجاد فضایی برای رشد و تعالی معنوی و مادی جامعه هدایت می‌شود. نتیجه آن، کاهش فساد، افزایش شفافیت، و تقویت اعتماد عمومی به حاکمیت است. علاوه بر این، رویکرد تمدنی به انتظار، به مدیران و سیاست‌گذاران این دیدگاه را القا می‌کند که مسئولیت آنها فراتر از مدیریت امور روزمره است و شامل حرکت به سوی اهداف بلندمدت همچون ایجاد جامعه‌ای عدالت‌محور و اخلاق‌مدار می‌شود.

این دیدگاه، حکمرانی را با مفاهیمی مانند اخلاق در مدیریت، توانمندسازی جامعه، و تقویت مشارکت مردمی پیوند می‌دهد. از این منظر، مدیریت جامعه بر پایه شایسته‌سالاری و در راستای تحقق مصالح عمومی قرار می‌گیرد، به طوری که همه بخش‌های جامعه، از دولت تا نهادهای مردمی، در فرایند ساخت تمدن اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور نقش‌آفرینی می‌کنند. این تحول در حکمرانی، زمینه‌ساز پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی در ابعاد داخلی و جهانی می‌شود.

۲. ارتقای هویت اسلامی و تقویت همبستگی اجتماعی

هویت دینی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های هویت، و نشان‌دهنده احساس تعلق به دین و جامعه دینی است. هویت دینی در واقع همان آثار و عوارض ناشی از حمل دین بر فرد است. به تعبیری بهتر با پذیرش دین به عنوان برنامه زندگی، تعهد و احساس تعلق به آن، در زندگی و

و جوه مختلف حیات فرد پرهیزگار تغییرات و نتایج مهمی حاصل می‌شود که همان هویت دینی است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۱۹۶).

آخوندی (۱۳۷۷ش)، مؤلفه‌های هویت دینی را پایبندی نظری و عملی به مذهب، انجام مراسم مذهبی، کنشگری درباره مذهب، خود و خانواده اش را مذهبی دانستن، توجه به عقاید ویژه مذهبی، احساس معنادار بودن زندگی، احساس معنا بخشی دین و شرکت در خدمات داوطلبانه مذهبی دانسته است. وی معتقد است که هویت دینی به معنای احساس تعلق و تعهد فرد نسبت به باورها، احکام و ارزش‌های دینی است. یکی از پیامدهای مثبت رویکرد تمدنی و فرانسوی به پدیده انتظار، ارتقای هویت اسلامی و تقویت همبستگی اجتماعی است. خداوند متعال، به مسلمانان وعده برتری بر دیگر ادیان را داده و می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳)؛

او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد، تا آن را بر همه آئین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

یقیناً تحقق این وعده الهی مستلزم مقدماتی است و یکی از مقدمات آن، احیای هویت اسلامی و بازگشت به اصول و مبانی فکری و ایدئولوژیکی آن است.

بحران هویت دینی و مذهبی در افراد که با احساس بی‌تفاوتی و بی‌ رغبتی در مسائل دینی همراه است با پیامدهای و آسیب‌های جدی همراه است که عبارت‌اند از: الف) بی‌ اعتقادی به سرچشمه هستی و نگرش اومانیستی به جهان پیرامون آن (حذف خدامحوری)؛ ب) احساس پوچی، بی‌هدفی و نگرش نیهیلیستی به جهان و زندگی؛ ج) نداشتن تعهد شخصی، گروهی و اجتماعی در تمامی عرصه‌ها و حتی در نقش‌هایی که به عهده می‌گیرد؛ د) عدم مسئولیت‌پذیری در برابر خود، جامعه و دیگران؛ ه) سست و بی‌ معیار شدن نظام ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در فرد؛ و) خردستیزی و جامعه‌ستیزی؛ ز) ضعف باورهای دینی و کاهش خودکنترلی فرد؛ ح) بی‌اعتمادی به خود، جامعه و در مقابل، سلب شدن اعتماد دیگران نسبت به او؛ ط) کاهش شبکه‌های ارتباطی؛ ی) رشد فردگرایی و روحیه خودخواهی و خودپرستی (اکبری، ۱۳۸۷: ج ۱، ۶-۷).

در مقابل تقویت هویت دینی از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است که طی فرایندی با ایجاد تعلق خاطر به دین و

مذهب در بین افراد جامعه، نقش بسیار مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی دارد. رویکرد تمدنی به انتظار موجب می‌شود جامعه اسلامی بر پایه هویت دینی و اهداف مشترک شکل گیرد. این عامل در برابر چالش‌ها و تهاجم‌های فرهنگی، به عنوان سپری معنوی و گفتمانی عمل می‌کند. برای تمامی حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی او برنامه هدفمند و مدون ارائه نماید و کمال بشر را در گرو رعایت و استمرار آن فرامین در سایه وحدت و همبستگی اجتماعی تضمین نماید.

مأیوس نبودن ملت‌ها و امیدواری آنها به آینده باعث هویت‌یابی آنها و تلاش و مبارزه آنها در راه خیر و صلاح و عدالت‌خواهی و اصلاح جامعه می‌شود و با این ایستادگی و مبارزه، مشکل ملت‌های مظلوم تا حد زیادی برطرف خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

۳. تثبیت جایگاه معنویت در عرصه جهانی

مهدویت، به عنوان یک اصل بنیادین در اندیشه شیعی، نقش کلیدی در تثبیت جایگاه معنویت در عرصه جهانی ایفا می‌کند. این مفهوم نه تنها یک آموزه مذهبی بلکه یک نظریه اجتماعی - فرهنگی است که بر امید به آینده‌ای بهتر، تحقق عدالت جهانی، و کمال انسانی استوار است.

تمرکز بر تمدن اسلامی بر پایه انتظار می‌تواند به بازتولید ارزش‌های معنوی در ساحت بین‌المللی بینجامد. یعنی با معرفی نگرش آینده‌نگر و عدالت‌محور اسلام، باب گفتگو و همکاری فرهنگی و اعتقادی با سایر ملل گشوده شود. در عرصه جهانی، انتظار فرج می‌تواند به عنوان مدلی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و حرکت به سوی عدالت جهانی تفسیر شود.

با گسترش ارتباطات و جهانی‌سازی، مفاهیم معنوی همچون انتظار، امکان ایجاد یک گفتمان بین‌المللی پیرامون ارزش‌های مشترک انسانی را فراهم می‌کنند. در این راستا، مهدویت نه تنها یک ایده مذهبی بلکه یک آرمان جهانی برای صلح، عدالت و تعالی انسان تلقی می‌شود. این آرمان، جایگاه معنویت را به عنوان یک عنصر حیاتی در مواجهه با بحران‌های اخلاقی و اجتماعی تقویت کرده و می‌تواند به ایجاد جهانی متعادل‌تر کمک کند که در آن عدالت، همدلی و معنویت به عنوان اصول بنیادین پذیرفته شوند.

معنویت دینی به زندگی انسان معنا می‌بخشد و انسان را به هدفی عالی رسانده و حلال مشکلات و برطرف‌کننده نارسایی‌ها در نظام خانواده و اجتماع است. معنویت دینی نقش به سزایی در کامیابی و سعادت یک زندگی خانوادگی دارد و هیچ خانواده‌ای نمی‌تواند برای مدتی

طولانی، بدون معنویت زنده بماند (صابری نوقابی، ۱۳۹۳: ج ۱).

راهکارهای عملی برای تقویت رویکرد تمدنی به انتظار

راهکارهای عملی برای تقویت رویکرد تمدنی به انتظار به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به طور هدفمند آموزه انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به یک رویکرد اجتماعی، تمدنی، و تحولی تبدیل می‌کند. این راهکارها با تمرکز بر ساختارهای فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، و مدیریتی، زمینه را برای شکل‌گیری تمدن مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و مهدوی فراهم می‌سازند. به عبارت دیگر، این اقدامات تلاش می‌کنند تا مفاهیم مرتبط با انتظار مانند عدالت، معنویت، مسئولیت‌پذیری، و امید به آینده، به طور عملی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی نهادینه شوند. برخی از این راهکارها عبارت‌اند از:

۱. اصلاح نظام آموزشی و تربیتی

اصلاح رویکرد آموزشی و تربیتی یکی از مهم‌ترین راهکارهای عملی برای تقویت رویکرد تمدنی به انتظار فرج است. به عبارتی، این اصلاح یعنی؛ طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی که مفاهیم انتظار را به صورت علمی و عملی به نسل‌های جدید منتقل کند و آنها را برای مشارکت در تحقق جامعه مهدوی آماده سازد. نظام آموزشی از سنین پایه باید ضمن تأکید بر ابعاد معنوی انتظار، بر اهمیت پیامدهای اجتماعی و آینده‌نگر آن نیز تمرکز کند. تدوین کتب درسی، برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های دانش‌آموزی و دانشجویی می‌تواند به تدریج نگاه نسل جدید را به ظرفیت‌های تمدنی و فرانسلی انتظار هدایت کند.

نظام آموزشی با نقش کلیدی خود در شکل‌دهی به ارزش‌ها و نگرش‌های نسل‌های آینده می‌تواند آموزه انتظار را به یک رویکرد تمدنی ارتقا دهد. برای این منظور، لازم است مفاهیمی مانند عدالت، معنویت، امید به آینده، و مسئولیت‌پذیری در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های تربیتی به طور نظام‌مند گنجانده شود.

آموزش و پرورش می‌تواند با بهره‌گیری از متون دینی، تاریخ تمدن اسلامی، و الگوسازی از شخصیت‌های برجسته‌ای که برای تحقق عدالت و کمال انسانی تلاش کرده‌اند، دانش‌آموزان را با ابعاد تمدنی انتظار آشنا کند. این فرایند باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموزان علاوه بر درک مفاهیم نظری، به مهارت‌های عملی برای ایفای نقش در ساخت جامعه‌ای عدالت‌محور و اخلاق‌مدار مجهز شوند. از سوی دیگر، تربیت معنوی و اخلاقی باید به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام تربیتی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، ایجاد فضای آموزشی



که به ترویج ارزش‌های معنوی و تقویت روحیه همکاری و همدلی بپردازد، ضروری است. نهاد‌های آموزشی می‌توانند با استفاده از فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های اجتماعی، و برنامه‌های فرهنگی، نسل جوان را به مشارکت در تحقق ارزش‌های تمدنی انتظار ترغیب کنند. این اصلاح رویکرد آموزشی و تربیتی نه تنها به شکل‌گیری نسلی آگاه و مسئول کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای می‌شود که در آن ارزش‌های انتظار، مانند عدالت و تعالی انسانی، به عنوان اصول اساسی تمدن نوین اسلامی پذیرفته شود.

۲. گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای

گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت رویکرد تمدنی به انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، زیرا این نوع مطالعات به فهم عمیق‌تر و جامع‌تر از ابعاد مختلف این مفهوم کمک می‌کند. انتظار فرج به عنوان یک آموزه الهیاتی - اجتماعی، جنبه‌های گوناگونی دارد که نیازمند بررسی از زوایای مختلف علوم است. تلفیق علوم دینی با علوم اجتماعی، روان‌شناسی، فلسفه، مدیریت، و حتی علوم طبیعی می‌تواند به شناخت بهتر از مفهوم انتظار و پیامدهای آن در ساختارهای فردی و اجتماعی منجر شود.

به عنوان نمونه، علوم اجتماعی می‌توانند راهکارهایی برای پیاده‌سازی عدالت در جوامع مدرن ارائه دهند، درحالی‌که فلسفه و الهیات می‌توانند به بررسی ابعاد هستی‌شناختی و معنوی مهدویت بپردازند. این تعامل میان‌رشته‌ای باعث می‌شود آموزه انتظار فراتر از یک باور مذهبی، به عنوان یک مدل تمدنی برای تحول اجتماعی و اخلاقی شناخته شود.

علاوه بر این، مطالعات میان‌رشته‌ای به حل چالش‌های عملیاتی در مسیر تحقق تمدن اسلامی کمک می‌کند. برای مثال، دانش مدیریت و اقتصاد می‌تواند راهکارهایی برای تحقق عدالت اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها، و توسعه پایدار ارائه کند که در راستای اهداف انتظار است. همچنین، علوم تربیتی و روان‌شناسی می‌توانند شیوه‌های تربیت نسل‌هایی را طراحی کنند که برای نقش‌آفرینی در جامعه مهدوی آماده باشند. این مطالعات، علاوه بر تقویت نظریه‌پردازی، به اجرایی‌شدن مفاهیم انتظار در عرصه عمل نیز کمک می‌کند. نتیجه این رویکرد میان‌رشته‌ای، شکل‌گیری یک حرکت تمدنی است که در آن انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک اصل محوری، الهام‌بخش ایجاد جامعه‌ای اخلاق‌محور، عدالت‌طلب، و پیشرو می‌شود.

۳. تبیین نقش نهادهای دینی و فرهنگی

مساجد، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها می‌توانند محتوایی پویا و واقعی از اندیشه مهدویت ارائه دهند. این نهادها نقش محوری در تقویت رویکرد تمدنی به انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند، زیرا ابزار اصلی انتقال ارزش‌ها، باورها، و معارف دینی به جامعه هستند؛ لذا قادرند، از طریق آموزش، تبلیغ، و ترویج مفاهیم مرتبط با انتظار، آموزه انتظار را به یک جنبش اجتماعی و تمدنی ارتقا دهند.

این نهادها می‌توانند با ارائه تفسیرهای عمیق و روزآمد از مفهوم انتظار، جامعه را با ابعاد مختلف آن، از جمله عدالت‌طلبی، معنویت‌گرایی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آشنا کنند. همچنین، نهادهای دینی می‌توانند با طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی متناسب با نیازهای زمان، نقش خود را در پرورش نسل‌هایی ایفا کنند که برای تحقق آرمان‌های تمدنی مهدوی آماده باشند.

نهادهای فرهنگی نیز به عنوان بازوی مکمل نهادهای دینی، با استفاده از ابزارهایی نظیر هنر، رسانه، و تولید محتوای فرهنگی، می‌توانند مفاهیم مرتبط با انتظار را به زبان هنر و فرهنگ عمومی منتقل کنند. از طریق تولید فیلم‌ها، نمایشنامه‌ها، کتاب‌ها، و آثار هنری با محوریت مفاهیم مهدوی، این نهادها می‌توانند فرهنگ انتظار را در لایه‌های مختلف جامعه نهادینه کنند. علاوه بر این، برگزاری جشنواره‌ها، نشست‌های علمی- فرهنگی، و فعالیت‌های اجتماعی مرتبط با انتظار، می‌تواند به گسترش گفتمان تمدنی مهدوی در سطح ملی و جهانی کمک کند. این تعامل میان نهادهای دینی و فرهنگی، بستری را برای ترویج آموزه انتظار به عنوان یک رویکرد تمدنی فراهم می‌کند که در سطح اجتماعی و تمدنی نیز تأثیرگذار است.

۴. تقویت انگیزه‌های مشارکت مردمی

یکی از ارکان شکل‌گیری هر تمدنی، مشارکت مردمی است. تقویت مشارکت مردمی یعنی، تشویق مردم به فعالیت‌های اجتماعی، خیریه‌ای و فرهنگی که بر اساس ارزش‌های مهدوی نظیر عدالت، تعاون، و همدلی شکل گرفته‌اند.

هنگامی که مردم احساس کنند انتظار، آنان را به شکل فعال در فرایند تحول جامعه دخیل می‌کند، برای فعالیت‌های جمعی در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آماده می‌شوند. تقویت انگیزه‌های مشارکت مردمی نقش اساسی در تقویت رویکرد تمدنی به انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایفا می‌کند، زیرا انتظار در رویکرد تمدنی، نه یک حالت منفعلانه بلکه حرکتی فعال

و جامعه محور است که مستلزم حضور و نقش آفرینی مردم در عرصه های مختلف است. مشارکت مردمی در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، زمینه ساز تحقق آرمان های عدالت محور و اخلاقی انتظار است.

وقتی مردم احساس کنند که نقش آنها در پیشبرد اهداف انتظار مؤثر است، انگیزه بیشتری برای فعالیت های خیرخواهانه، کمک به هموعان، و تلاش برای اصلاح اجتماعی پیدا می کنند. این مشارکت می تواند از طریق نهادهای مردمی، گروه های جهادی، و فعالیت های جمعی تقویت شود که باعث می شود آموزه انتظار به عنوان یک نیروی محرک برای ساخت جامعه ای عدالت محور و اخلاقی عمل کند.

علاوه بر این، مشارکت مردمی در فعالیت های مرتبط با انتظار، زمینه ساز گسترش آگاهی جمعی و تقویت هویت اجتماعی حول محور آموزه های مهدوی است. وقتی مردم در برنامه هایی مانند کمک رسانی به محرومان، برگزاری مراسم دینی، یا فعالیت های آموزشی و فرهنگی با محوریت انتظار شرکت می کنند، احساس تعلق به یک هدف مشترک تقویت می شود. این حس تعلق جمعی، نه تنها امید به آینده را در میان مردم افزایش می دهد، بلکه به ایجاد جامعه ای هماهنگ و عدالت محور کمک می کند که آماده پذیرش تمدن مهدوی است. به این ترتیب، تقویت انگیزه های مشارکت مردمی، انتظار را به یک حرکت اجتماعی - تمدنی تبدیل کرده و زمینه ساز تحقق آرمان های جامعه مهدوی می شود.

۵. استفاده از ابزارهای فرهنگی و هنری

استفاده از ابزارهای فرهنگی و هنری می تواند نقش مهمی در تقویت رویکرد تمدنی به انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه له ایفا کند. این ابزارها با توانایی خود در انتقال پیام ها به شیوه ای جذاب و تأثیرگذار، می توانند مفاهیم عمیق دینی و تمدنی انتظار را به زبان قابل فهم برای مخاطبان مختلف و در سطوح گوناگون جامعه بیان کنند.

برخی از شیوه هایی که ابزارهای فرهنگی و هنری می توانند در این مسیر مؤثر باشند، عبارت اند از:

الف) ترویج ارزش های مهدوی در قالب جذاب و ملموس؛ مانند:

۱. هنر می تواند مفاهیم انتزاعی مانند عدالت، انتظار، و امید را به شکلی ملموس تر و قابل درک تر برای مردم به تصویر بکشد. برای نمونه، فیلم ها و سریال ها با روایت داستان هایی که به موضوع عدالت خواهی، اصلاح جامعه و انتظار ظهور می پردازند، می توان پیام های تمدنی و

اجتماعی انتظار را به شکلی جذاب منتقل کرد.

۲. موسیقی و سرود؛ آثار موسیقایی با محوریت مفاهیم مهدوی می‌توانند حس امید، انگیزه و مسئولیت اجتماعی را در جامعه تقویت کنند.

۳. هنرهای تجسمی؛ نقاشی، طراحی، و گرافیک می‌توانند تصویرسازی‌هایی از یک جامعه آرمانی و عدالت‌محور ارائه دهند که مردم را به درک عمیق‌تری از نقش انتظار در تمدن‌سازی سوق می‌دهد.

ب) ایجاد پیوند میان مفاهیم دینی و زندگی روزمره: هنر و فرهنگ می‌توانند فاصله میان مفاهیم عمیق دینی و چالش‌های روزمره جامعه را کاهش دهند. برای مثال، تولید مستندها یا آثار داستانی که به مسائل اجتماعی نظیر فقرزدایی، گسترش عدالت، و انسجام اجتماعی با الهام از تعالیم مهدوی می‌پردازند، می‌تواند افراد را به نقش فعال در جامعه منتظر تشویق کند. ج) ترویج نگاه بین‌نسلی و آینده‌نگر به انتظار؛ ابزارهای فرهنگی و هنری می‌توانند مفهوم بین‌نسلی انتظار را تقویت کرده و جامعه را برای نقش‌آفرینی در آینده آماده کنند. آثار هنری مانند انیمیشن‌ها و کتاب‌های کودک می‌توانند نسل جدید را با آرمان‌های مهدوی آشنا کرده و حس مسئولیت‌پذیری و امید به آینده را در آنها تقویت کنند.

د) ایجاد گفتمان تمدنی از طریق رسانه‌ها؛ رسانه‌های فرهنگی و هنری مانند سینما، تئاتر و ادبیات، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بستری برای ایجاد و ترویج گفتمان تمدنی انتظار فراهم کنند. با تأکید بر موضوعاتی همچون عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انسجام جمعی، این آثار می‌توانند جامعه را به سمت حرکت فعال و هدفمند در مسیر تحقق ارزش‌های تمدنی هدایت کنند.

ه) تقویت هویت اجتماعی و دینی؛ آثار هنری با محتوای مهدوی می‌توانند هویت اسلامی و دینی جامعه را تقویت کرده و انسجام اجتماعی را افزایش دهند. برای مثال، برگزاری جشنواره‌های هنری با موضوع مهدویت و انتظار می‌تواند جامعه را به یک هدف مشترک پیوند داده و فرهنگ انتظار را در لایه‌های مختلف جامعه نهادینه کند.

و) آموزش غیرمستقیم مفاهیم عمیق دینی؛ ابزارهای فرهنگی و هنری امکان آموزش غیرمستقیم را فراهم می‌کنند. از طریق داستان‌سرایی، نمایشنامه‌ها، و حتی بازی‌های ویدئویی می‌توان به تبیین آموزه‌های عمیق مهدوی پرداخت، بدون این‌که مخاطب احساس کند در یک فرایند آموزشی رسمی قرار دارد. این روش، به‌ویژه برای نسل جوان بسیار مؤثر است.

ز) ایجاد انگیزه برای حرکت‌های اجتماعی هنر می‌تواند حس مشارکت و مسئولیت‌پذیری

اجتماعی را تقویت کند. برای مثال، نمایشنامه‌ها و فیلم‌هایی که به تصویرسازی جامعه‌ای عدالت‌محور می‌پردازند، می‌توانند مردم را به حرکت در جهت اصلاح جامعه و زمینه‌سازی برای ظهور تشویق کنند.

بنابراین، استفاده از ابزارهای فرهنگی و هنری، با ایجاد جذابیت، انتقال مفاهیم عمیق به زبان ساده و قابل‌درک، و پیوند میان باورهای دینی و زندگی اجتماعی، می‌تواند رویکرد تمدنی به انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در جامعه تقویت کند. این ابزارها می‌توانند نه تنها آگاهی و بینش مردم را افزایش دهند، بلکه آن‌ها را به مشارکت فعال در ساخت جامعه‌ای عدالت‌محور و پیشرفته ترغیب کنند.

۶. ایجاد نهادهای حمایتی و ترویجی

تأسیس نهادهایی که به صورت سازمان‌یافته به ترویج و اجرایی کردن آموزه‌های مهدوی در عرصه‌های مختلف جامعه بپردازند. این راهکارها باهدف پیوند آموزه انتظار با زندگی روزمره، زمینه را برای تحقق تمدن اسلامی و عدالت‌محور در سطح فردی، اجتماعی و جهانی فراهم می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد تمدنی و بین‌نسلی به انتظار می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلان و پویا، افق‌های جدیدی را برای تحول جامعه اسلامی ترسیم کند. این رویکرد، ضمن تقویت مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی، به انسجام نسل‌ها و پیوند میان گذشته، حال و آینده کمک می‌کند.

پذیرش نگرش تمدنی و بین‌نسلی زمینه‌ساز ارتقای هویت دینی، تقویت همبستگی اجتماعی و بسترسازی برای تحقق اهداف بلندمدت اسلام است. در نهایت، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی با محوریت آموزه‌های مهدوی، می‌تواند انتظار را از یک باور فردی به یک گفتمان تمدنی فراگیر تبدیل کند که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، محرک حرکت به سوی عدالت، پیشرفت و تعالی باشد.

همچنین انتظار تمدنی می‌تواند به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی بلندمدت، شکل‌دهی به هویت جمعی و تقویت امید به آینده در جامعه اسلامی عمل کند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: جامعه مدرسین.
۲. احمدی، مهدی (۱۳۹۸)، *فتاوی تاریخی میرزای شیرازی در عصر شکار امتیازات*، خبرگزاری جمهوری اسلامی: <https://www.irna.ir/news/83659556>.
۳. اکبری، بهمن (۱۳۸۷)، «بحران هویت و هویت دینی»، *پیک نور*، سال ششم، شماره چهارم.
۴. آخوندی، محمدباقر (۱۳۷۷ش)، *بررسی هویت ملی مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن*، رساله کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم اجتماعی.
۵. بهمنی خدنگ، محمدرضا؛ مولائی آرانی، مهدی (۱۴۰۲)، *چستی رویکرد تمدنی از عرصه نظریات صحنه عمل (مجموعه مقالات جمعی از تمدن پژوهان)*، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. چیت ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۳)، *گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۵)، *بیانات در دیدار جمعی از روحانیون نیشابور*.
۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸)، *برگرفته از بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الموعود*.
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱)، *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان*.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، *برگرفته از بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی*.
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، *بیانات در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت*.
۱۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، *بیانات در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه دارالحديث و پژوهشگاه قرآن و حدیث*.
۱۳. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۳)، *فرهنگ نامه مهدویت*، قم: ناشر مرکز تخصصی مهدویت، اول.



۱۴. شریعتی، علی (۱۳۸۷)، *حسین وارث آدم (مجموعه آثار شماره ۱۹)*، تهران: انتشارات قلم.
۱۵. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۰)، *شناخت زندگی بخش*، تهران: نشر موعود.
۱۶. صابری نوقابی، علیرضا (۱۳۹۳)، *گروه نویسندگان: مجموعه مقالات دومین همایش ملی سیره و معارف رضوی «معنویت» (جلد اول)*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، اول.
۱۷. صادقی، هادی (۱۳۸۲)، «و اینک زیستن با خدا»، *نشریه نقد و نظر*، پیاپی ۳۲، شماره ۳-۴.
۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۲۲ق)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، تهران: انتشارات مؤلف.
۱۹. صدر، محمدباقر (۱۹۷۹م)، *بحث حول المهدی* علیه السلام، بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات.
۲۰. طیبی، ناهید (۱۳۸۸)، «ابزار و شیوه‌های تبلیغ دینی»، *نشریه مطالعات قرآنی نامه جامعه*، شماره ۵۸.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۷)، *اصول کافی*، شهر ری: دارالحدیث.
۲۲. کورانی عاملی، علی (۱۴۱۱ق)، *معجم احادیث الامام المهدی* علیه السلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۰)، *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مردانی، خیرالله (۱۳۸۷)، *پرتوی از سیمای مهدویت در قرآن و حدیث*، تهران: ناشر راه قرآن.
۲۵. مسائلی، احمد؛ فرقانی تهرانی، ناهید (۱۳۹۸)، «سازه مفهومی انتظار در اندیشه مهدویت»، *فصل نامه علمی پژوهشی انتظار موعود*، سال نوزدهم، شماره ۶۵.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *قیام و انقلاب امام مهدی*، تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. موسوی کاشمری، سید مهدی (۱۳۷۷)، «امام خمینی و احیاء انتظار فرج»، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی* علیه السلام و *احیاء تفکر دینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول.
۳۰. موسی زاده موسوی، مقدسه؛ علویان، مرتضی (۱۳۹۶ش)، *واکاوی مدیریت جامعه مطلوب در دکتترین مهدویت و حکمرانی خوب*، کرج: کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین حسابداری و

مدیریت در هزاره سوم.

۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۳۹۷ق)، *کتاب الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق.

۳۲. واسعی، سیدعلیرضا؛ عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۳)، «باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در

احیای فرهنگ و تمدن اسلامی»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال هشتم، شماره ۲۹.

۳۳. اله بداشتی، علی (۱۳۹۱)، «نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان»، *فصل نامه مشرق*

موعود، سال ششم، شماره ۲۲.

